

Research Paper

Meta Synthesis of Network Studies in Public Administration Researches



Gholamreza Kazemian¹ , Seyyed Mahdi Alvani¹ , Vajholah Ghrobanizadeh¹, *Seyyed Mostafa Jalili²

1. Department of Public Management, Faculty of Management & Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

2. PhD. Student of Public Management, Department of Public Management, Faculty of Management & Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Kazemian, Gh., Alvani, S. M., Ghrobanizadeh, V., & Jalili, S. M. (2021). [Meta Synthesis of Network Studies in Public Administration Researches (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 11(40), 454-477.



Received: 29 Jan 2021

Accepted: 02 Mar 2021

Available Online: 01 Nov 2021

Keywords:

Network approach, Public administration, PA researches, Network theoretical fundamentals, Analytical framework

ABSTRACT

In the present age, problems and opportunities in public administration (PA) in several areas have common features like multidimensional, multiscale, limited predictability and involvement of various actors in the public, private sectors and NGO's. In this Context, the way policymakers confront with complexities of problems and opportunities should be upgraded. Network approach, in the last three decades, has been widely welcomed by PA researches and provided institutional capacity to deal with tough problems. The first two decades, go around conceptualization and formulating theoretical fundamentals of network approach and last decade, PA researches focus on implementing them and evaluating consequences in solving political, economic, cultural and environmental problems in public sector. However, considering PA researches in Iran shows low importance of network approach and necessity of explaining the role of this approach and institutional capacities in PA studies. According to this, this paper is defined to designing network studies framework in PA researches and representing analytical strengths of network in in confronting with PA problems. The main question is: how is the network studies framework that can be used in PA researches? Meta-synthesis used as the method of this research and we review several related researches to design network studies framework in PA researches. The findings of this paper show that the PA researches can use six dimensions of network in their researches included: context of network formation, process of network formation, network structure, network governance, and network executive management, outputs, Consequences and impacts of network.

* Corresponding Author:

Seyyed Mostafa Jalili

Address: Department of Public Management, Faculty of Management & Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

E-mail: s.mostafajalili@gmail.com

مقاله پژوهشی فراتحلیل کیفی مطالعات شبکه در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی

غلامرضا کاظمیان^۱، سید مهدی الوانی^۱، وجده‌الله قربانی‌زاده^۱، سیدمصطفی جلیلی^۲

۱. گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گروه مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

در عصر حاضر مسائل، فرصت‌ها و امکان‌های پیش روی مدیریت بخش عمومی در عرصه‌های گوناگون از ویژگی‌های چندبُعدی بودن، چند مقیاس بودن، با قابلیت پیش‌بینی محدود و دخیل بودن کنشگران مختلف در حوزه‌های بخش عمومی، خصوصی و مردمی برخوردار است. رویکرد شبکه‌ای که در سه دهه اخیر در میان پژوهشگران مدیریت بخش عمومی در دنیا با استقبال فراوانی روبرو شده، توانسته ظرفیت نهادی مواجهه با مسائل سخت و پیچیده مدیریت بخش عمومی را فراهم کند. با این حال، سپهر پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی در ایران نشانگر اهمیت پایین رویکرد شبکه‌ای و نیازمند تبیین ظرفیت‌های آن است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف فراتحلیل کیفی مطالعات شبکه در مدیریت بخش عمومی و بازنمود توان‌های تحلیلی آن در مواجهه با مسائل تعریف شده است. مقاله حاضر از منظر روش‌شناسی، ازجمله پژوهش‌های کیفی با اتکا به روش فراتحلیل کیفی است که با استفاده از اسناد، منابع و مطالعات کتابخانه‌ای پیش رفته است. یافته‌های مقاله حاضر نشان می‌دهد که پژوهشگران مدیریت بخش عمومی می‌توانند از هفت بُعد یا منظر به موضوع شبکه‌ها ورود کرده و برای مسائل خود چاره‌جویی کنند که عبارت‌اند از: زمینه‌ها و ابعاد شکل‌گیری، شبکه‌های خط‌مشی، تنظیمات و ساختار، حکمروایی، مدیریت اجرایی، خروجی‌ها، پیامدها و اثرات، مشروعیت و پایداری. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که قابلیت‌های گسترده رویکرد شبکه‌ای از مرحله تشخیص مسئله تا اجرا و نظارت بر اجرای خط‌مشی‌ها و همچنین مطالعات سازمانی و بین‌سازمانی می‌تواند در حل مسائل کنونی مدیریت بخش عمومی کشور در سطوح مختلف بین‌المللی تا محلی به کار آید.

تاریخ دریافت: ۱۰ بهمن ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۲ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: ۱۰ آبان ۱۴۰۰

کلیدواژه‌ها:

رویکرد شبکه‌ای،
مدیریت بخش
عمومی، پژوهش‌های
مدیریت بخش
عمومی، پایه‌های
نظری شبکه،
چارچوب مفهومی

* نویسنده مسئول:

سید مصطفی جلیلی

نشانی: تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری، گروه مدیریت دولتی.

پست الکترونیکی: s.mostafajalili@gmail.com

مقدمه

عمومی در مواجهه با چالش مدیریت بین سازمانی در
نظمی شبکه‌ای قرار داد.

دگرذیسی از مدیریت سازمانی به مدیریت
شبکه‌ای به سادگی به معنای به کارگیری تکنیک‌ها
و رویکردهای سنتی در زمینه جدید نیست، بلکه
به جای آن، شامل توسعه اساسی از درک جدید از
مفهوم مدیریت می‌شود. پیچیدگی‌های مدیریتی
موجود و نیاز به شبکه‌ها برای پاسخ‌گویی به مسائل
عمومی، این نکته ضروری را به دنبال دارد که مدیران
بخش عمومی تا حدی که امکان دارد باید آنچه را که
محققان درباره چگونگی ساختاردهی، حکمروایی و
مدیریت مؤثر شبکه‌ها تشریح کرده‌اند، مورد کاربست
قرار دهند (Provan, Lemaire, 2012: 1-2).

در حال حاضر توجه به مطالعات شبکه در تمامی
علوم اجتماعی گسترده شده و به‌ویژه در زمینه
شبکه‌های اجتماعی سرعت رو به رشد بالایی در
سال‌های اخیر داشته است. در مطالعات سازمانی،
شبکه‌های اجتماعی برای درک طیف گسترده‌ای از
پیامدها شامل عملکرد افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها،
قدرت، گردش معاملات، رضایت شغلی، ارتقا،
خلاقیت، ابتکار و رفتارهای غیراخلاقی به کار رفته
است (Borgatti et al., 2014: 2).

این حجم گسترده از پژوهش‌های مدیریت بخش
عمومی در دهه پیشین و دو دهه پیش از آن بر
مطالعات شبکه در ابعاد مختلف نشان‌دهنده توان‌های
بالقوه و بالفعل به کارگیری شبکه برای مدیریت
بخش عمومی است. امری که به نظر می‌رسد در
جامعه علمی مدیریت بخش عمومی کشور کمتر به
آن بها داده شده است و در حل مسائل عمومی کشور
نظیر بحران آب و سایر بحران‌های زیست‌محیطی،
قاچاق کالا و ارز، پیشگیری و مقابله با فساد سیاسی

با وجود استثناهای اندک، ادبیات موجود در زمینه
رویکرد شبکه‌ای در مدیریت بخش عمومی به زمانی
عقب‌تر از دهه ۱۹۶۰ میلادی بازمی‌گردد و بیشتر
تحقیقات در این حوزه به سه دهه اخیر مربوط
می‌شود (Jensen, 2016: 1). انتقال از مدل‌های
بوروکراتیک سنتی به حکمروایی مبتنی بر تشریک
مساعی^۱ نوید انگیزه‌ها و توجهات مهمی به شبکه‌ها و
مطالعات شبکه در مدیریت بخش عمومی داده است
(Hu et al., 2016: 593).

محققان حوزه مدیریت بخش عمومی (نظیر: Hu,
et al., 2016; Kapucu et al., 2014; Berry et al.,
2004; Isett Lecy et al., 2014; Provan, Lemaire
2012). پژوهش‌هایی متعددی با محوریت مرور
نظام‌مند مطالعات شبکه در مدیریت بخش عمومی
انجام داده‌اند. تعدد مطالعات در این حوزه سبب شده
تا برای بسیاری از محققان مدیریت بخش عمومی،
زمان کنونی را «عصر شبکه‌ها و تشریک مساعی»
تعریف کنند (McGuire, 2006: 34).

همان‌طور که مشاهده می‌شود بیشتر تحقیقاتی
که با هدف مرور نظام‌مند صورت گرفته در سال‌های
اخیر بوده و نشان از تراکم پژوهش‌های متعدد در
زمینه شبکه‌ها، نقش و تأثیر آن بر مدیریت بخش
عمومی داشته که سبب شده تا محققان به فکر
طبقه‌بندی این پژوهش‌ها در قالب مرور نظام‌مند
بیفتند

در حال حاضر، بیشتر مدیران بخش عمومی به
خوبی از سختی‌ها و پیچیدگی‌های مدیریت در درون
مرزهای سنتی سازمانی آگاهی دارند. با این حال، این
موضوع را باید در کنار موضوع معاصر مدیران بخش

1. Collaboration

اداری، رکود، تورم و پایین بودن نرخ رشد اقتصادی، مسائل فرهنگی و اجتماعی نظیر بی‌هویتی، از دست رفتن زبان معیار، تغییرات سبک زندگی به سمت الگوهای مخرب و استفاده از فرصت‌ها نظیر راه‌اندازی شبکه‌های مطالبه‌گر تغییر و اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌های جاری به خوبی مورد استفاده قرار نگرفته و نیاز است تا فراتحلیل کیفی منسجمی از ظرفیت رویکرد شبکه‌ای که می‌تواند در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی مورد استفاده قرار گیرد، ارائه شود.

بنابراین پژوهش حاضر با هدف فراتحلیل کیفی مطالعات شبکه در مدیریت بخش عمومی و بازنمود توان‌های تحلیلی آن در مواجهه با مسائل تعریف شده است و در راستای هدف مذکور، سؤال اصلی مقاله این است که چارچوب مطالعاتی رویکرد شبکه‌ای که می‌تواند در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی استفاده شود، چگونه است؟

بیشتر مطالعات شبکه در مدیریت بخش عمومی هم بر موضوع همکاری‌های بین‌سازمانی برای دستیابی به اهداف خط مشی که ورای مأموریت یک سازمان بوده، تمرکز کرده‌اند و هم بر ساختار فرایند حکمروایی شبکه‌ای که از ساختار بوروکراتیک سنتی متفاوت بوده و شامل بازیگران غیردولتی در فرایند خط مشی‌گذاری و اجرا می‌شوند (Kapucu et al., 2014: 4).

بنابراین پژوهش حاضر با هدف فراتحلیل کیفی مطالعات شبکه در مدیریت بخش عمومی و بازنمود توان‌های تحلیلی آن در مواجهه با مسائل تعریف شده است و در راستای هدف مذکور، سؤال اصلی مقاله این است که چارچوب مطالعاتی رویکرد شبکه‌ای که می‌تواند در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی استفاده شود، چگونه است؟

۱. ادبیات موضوع

عدم توافق گسترده در تعریف شبکه‌ها هنوز باقی مانده است (Kapucu et al., 2014: 4). بر اساس یک تعریف ساده، یک شبکه شامل گره‌ها و روابط میان آن‌ها است. گره‌ها می‌توانند افراد، نهادها، گره‌ها یا اشکال دیگر نظری جایگاه شغلی یا تفکرات انتزاعی باشند، روابط نیز اشکال بی‌شماری نظیر پیوندهای فیزیکی تا روابط شخصی شامل شود.

در یک شبکه، فرض اساسی این است که در یک رفتار تأثیرگذار، روابط اغلب مؤثرتر از ویژگی‌های خاص هریک از گره‌هاست و رفتار هر گره، نه تنها از سوی روابطی که مستقیماً با آن درگیر بوده تحت تأثیر قرار می‌گیرد، بلکه این رفتار به واسطه الگویی از روابط در ساختار گسترده‌تر شبکه‌ای نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد (اسکات، دیویس، ۱۳۸۹: ۴۷۱ و ۴۷۴).

در تعریفی دیگر، تلاش شده تا با توجه به تنوع تعاریف شبکه، سه مسیر کلی که شبکه‌ها در ادبیات مدیریت بخش عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند، مشخص شود. این مسیرها عبارت‌اند از: ۱. استفاده از شبکه‌ها به عنوان یک استعاره یا مفهوم. در این حالت مطالعاتی صورت گرفته تا پدیده‌های اجتماعی که ضرورتاً ماهیتی شبکه‌ای ندارند، از زاویه استعاره‌ای شبکه‌ها درک شوند. ۲. ارجاع به روش‌ها و پارادایم روش‌شناسی دربرگیرنده شبکه‌ها، در این مسیر ساختار و سنجش پویایی‌های ساختاری مهم می‌شود. ۳. مسیر سومی که شبکه‌ها در مدیریت بخش عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند، بر مبنای سودمندی است (به عنوان رویکرد یا ابزاری برای فهم تدارک خدمات بخش عمومی)؛ بنابراین در

عمومی در اولویت مطالعات قرار نداشتند. از آن زمان به بعد، تعداد رو به رشدی از محققان از واژه شبکه استفاده کردند تا تبدیل به روندی مورد اقبال شد (Hwang, Moon, 2008: 2)؛ بنابراین معیارهای جدید شبکه به سرعت معرفی شدند و روش‌های شبکه‌ای به واسطه الهام گرفتن از نظریه‌هایی چون نظریه وابستگی منابع^۲، نظریه بین‌سازمانی^۳، نظریه گراف^۴ و رویکرد تعاملی^۵ از استحکام بالاتری برخوردار شدند و شرایط جدید سبب شد تا نظریه‌پردازان شبکه‌ای درباره سازمان‌ها، ساختارها و روابط آن‌ها شیوه جدیدی از تفکر را معرفی کنند (اسکات، دیویس، ۱۳۸۹: ۴۷۳).

نظریه وابستگی منابع به عنوان یکی از پایه‌های نظری پشتیبان مطالعات شبکه در مدیریت بخش عمومی در حوزه مطالعات سازمانی بسط و گسترش یافته است. بر اساس این نظریه، نیاز سازمان‌ها به توسعه روابط همکارانه با سایر سازمان‌ها گویای این واقعیت است که یک سازمان تمام منابع مورد نیاز برای دستیابی به اهداف و برنامه‌های خود را ندارد؛ بنابراین این نیاز به وجود می‌آید که برای تحقق اهداف سازمانی، سازمان‌ها منابع خود را به اشتراک گذاشته و تبادل منابع صورت گیرد. فرض پایه‌ای در نظریه وابستگی منابع این موضوع است که بقای سازمان‌ها وابسته به توانایی آن‌ها در کسب منابع حیاتی از محیط بیرونی خود است.

در کنار این فرض پایه، چه در مطالعات اولیه این نظریه و چه در مطالعات متأخر، مفهوم وابستگی به شدت مورد توجه قرار گرفته است که می‌توان آن را این گونه تعریف کرد: «میزانی که یک بخش

2. Resource-dependency theory
3. Interorganizational Theory
4. Graph Theory
5. Interactive Perspective

اینجا شبکه‌ها برای انجام امورات نظیر ارائه خدمات استفاده می‌شود (Isett et al., 2011: 160-161).

به طور کلی، در تعریفی مختصر و مفید می‌توان شبکه‌ها را در مدیریت بخش عمومی، گروهی از بازیگران هدف‌محور مستقل و در عین حال وابسته دانست که برای تولید خروجی جمعی (محسوس یا غیرمحسوس) گرد هم آمده‌اند که هیچ‌کدام از این بازیگران به تنهایی نمی‌توانست آن خروجی را تولید کند (همان: ۱۶۱).

با توجه به مطالب عنوان‌شده، در این مقاله، مفهوم شبکه چنین تعریف شده است: «مجموعه‌ای از روابط پایدار / نسبتاً پایدار شکل گرفته میان نهادها، سازمان‌ها و کنشگران مستقل و در عین حال وابسته مبتنی بر سودبری و سودرسانی حول هدف خاص و جمعی که ممکن است یک بازیگر درون این شبکه شناخت کاملی از کل شبکه و اعضای آن نداشته باشد و در عین حال هیچ‌کدام از اعضا نمی‌توانست به تنهایی آن هدف خاص را محقق کند.»

۱-۱. ریشه‌های نظری و تحولات تاریخی مطالعات شبکه در مدیریت بخش عمومی

طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، پیشرفت‌های صورت‌گرفته در روش‌شناسی شبکه و توان محاسباتی آن شرایطی را به وجود آورد تا شبکه‌ها به عنوان روش رسمی برای تجزیه و تحلیل ساماندهی شوند. مسلماً، آشکارترین کار علمی که توجهات را به سوی شبکه‌ها چرخاند، مقاله اتول در سال ۱۹۹۷ میلادی بوده که از اندیشمندان مدیریت بخش عمومی خواست که به صورت جدی با شبکه‌ها سروکار داشته باشند.

در آن زمان شبکه‌ها در جهان مدیریت بخش

به دیگری درخصوص منبع مشخصی نیاز دارد»
(Klein, Pereira, 2016: 155)

دو پایه نظری تأثیرگذار دیگر بر رویکرد شبکه‌ای در مدیریت بخش عمومی، رویکرد تعاملی و نظریه بین‌سازمانی است. بر مبنای رویکرد تعاملی، دستیابی به راه‌حل‌ها برای مسائل بخش عمومی محصول تعامل میان بازیگران متعدد است و تعارض منافع که تعاریف از مسائل و فرایندهای حل آن را شکل می‌دهد، پویا و غیرقابل پیش‌بینی هستند. بر این اساس، شکل‌گیری شبکه‌ای از نهادها، متمرکز بر فرایندهای تعاملی میان بازیگران به هم وابسته و پیچیدگی‌های اهداف و راهبردها به عنوان پیامد این فرایندهای تعاملی است.

وجه بارز دیگر رویکرد شبکه‌ای، زمینه نهادی است که تعاملات پیچیده در آن رخ می‌دهد که برای تبیین زمینه نهادی از نظریه بین‌سازمانی استفاده شده است. نظریه بین‌سازمانی اشتراکاتی با نظریه وابستگی منابع دارد. بر مبنای این نظریه، محیط سازمان‌ها شامل سازمان‌های دیگر نیز می‌شود و سازمان‌ها برای ادامه حیات خود نیازمند منابع سازمان‌های دیگر هستند. بر این اساس، سازمان‌ها وارد بده‌بستان‌هایی با یکدیگر می‌شوند و این روابط سبب ایجاد شبکه‌ای از بازیگران به هم وابسته می‌شود. تفاوت میان نظریه بین‌سازمانی و نظریه وابستگی منابع در این است که در نظریه بین‌سازمانی توجه ویژه‌ای به روابط همکارانه بین سازمان‌ها و راهبردهایی که سازمان‌ها به کار می‌گیرند که بر فرایندهای بده‌بستانی اثرگذاری کنند، می‌شود.
(Klijn, Koppenjan, 2000: 138-139)

ریشه نظری دیگری که تحلیل شبکه از آن بهره می‌برد، نظریه گراف است. نظریه گراف، شاخه‌ای از ریاضیات است که به مطالعه گراف‌ها در قالب

نظریه گراف می‌پردازد. تحلیل گران شبکه عموماً از نظریه گراف برای تجسم شبکه در قالب مطالعات کمی استفاده می‌کنند. در این حالت یک گراف نشان‌دهنده ساختار شبکه‌ای از روابط است که در آن رئوس (نقاط یا گره‌ها) توسط خطوطی (روابطی) میان این رئوس به یکدیگر متصل می‌شوند (Brugh- (mans, 2012: 5-6).

از منظر میلوارد و پروان، شبکه‌ها به عنوان مهم‌ترین مفهوم در مطالعات مدیریت بخش عمومی در بیست سال گذشته در نظر گرفته شده‌اند. از آنجا که سنجش شبکه‌ها موضوعی سخت است، در ادبیات تخصصی اغلب از شبکه‌ها به عنوان استعاره‌ها، طرح مفهومی و ابزار مدیریتی (شبکه‌سازی) استفاده می‌شود (Milward, Provan, 1998: 387).

مقاله بری و همکاران در سال ۲۰۰۴ با موضوع «سه سنت مطالعات شبکه»، سه جریان موازی در ادبیات مرتبط با نظریه و پژوهش‌های شبکه را شناسایی کرده است که عبارت‌اند از: از دهه ۱۹۳۰ به بعد در حوزه جامعه‌شناسی، جریان تحلیل شبکه اجتماعی شروع شد؛ از دهه ۱۹۷۰ به بعد در حوزه علوم سیاسی، تغییر خط مشی و تأثیر شبکه‌ها بر خروجی‌های خط مشی و از دهه ۱۹۸۰ به بعد در حوزه مدیریت بخش عمومی و مطرح شدن شبکه‌های مدیریت بخش عمومی. آن‌ها پیشنهاداتی در زمینه توسعه مطالعات شبکه در مدیریت بخش عمومی ارائه کردند (Berry et al., 2004: 539). در ادامه در جدول شماره ۱ این سه سنت مطالعات شبکه بیشتر توضیح داده شده است.

با بررسی سه سنت مطالعات شبکه در علوم اجتماعی، سیاسی و مدیریت بخش عمومی می‌توان گفت هرکدام از این جریان‌ها بر موضوعات خاصی

جدول ۱. سه سنت مطالعات شبکه در علوم مختلف

افراد مؤثر	نکات محوری	ریشه‌ها و جریان‌های پشتیبان	سه سنت مطالعات شبکه
Moreno (1934)	استفاده از جامعه‌نگاری ^۱ برای نمایش روابط شبکه‌ای میان افراد و تعریف الگوهای تعامل، دسته‌ها و پویایی‌های گره‌های کوچک	مطالعات جامعه‌سنجی (برگرفته از روان‌شناسی گشتالتی)	
Nadel (1957)	ضرورت تعریف و تمییز اشکال (ساختار) روابط با محتوای اجتماعی و فرهنگی آن قرار گرفتن مفهوم «نقش» ^۲ در مرکز نظریه جامعه‌شناسی و بازتعریف ساختارهای اجتماعی به عنوان ساختارهای نقش که بر این اساس نقش‌ها از طریق شبکه‌های فعالیت‌های به هم وابسته تعریف می‌شوند	مکتب انسان‌شناسان منچستر	
Mitchell(1969)	توسعه دو رویکرد فهم ساختارهای شبکه ۱. شبکه‌های خودمحور ^۳ که حول یک فرد شکل می‌گیرد ۲. شبکه‌های محتوایی یا معنایی نظیر تعاملات سیاسی، دوستانه و فعالیت‌های کاری توسعه شاخص‌های کیفی روابط در شبکه‌ها نظیر عمل متقابل ^۴ ، نیرومندی ^۵ و ماندگاری ^۶		تحلیل شبکه اجتماعی
White (1960)	توسعه مدل‌های کمی بر مبنای ریاضیات برای سنجش نقش‌های اجتماعی در شبکه‌ها		
Granovetter (1973)	تمرکز بر روابط غیررسمی افراد در شبکه‌ها و تأثیر آن در آینده شغلی افراد بسط نظریه توزیع اطلاعات و ارتباطات از طریق شبکه‌ها به واسطه اهداف راهبردی افراد و موقعیت دروازه‌بانان در درون شبکه‌ها	ساختارگرایان دانشگاه هاروارد	
Freeman (1979)	تمرکز بر نقش موقعیت افراد در شبکه‌ها بر میزان قدرت و پیامدهای آن تعریف و توسعه سنج‌های موقعیتی افراد		
Walker (1969)	استفاده از شبکه‌ها برای توصیف شبکه‌های ملی و منطقه‌ای اشاعه نوآوری خط مشی یادگیری خط مشی	جریان مطالعاتی نوآوری خط مشی	
Hecllo (1978)	این جریان مطالعاتی نشأت گرفته از مطالعات گره‌ای منفعتی و مطالعات قدرت در جوامع محلی است توصیف شبکه‌های موضوعی به عنوان گره‌ای بزرگ با اعضای متکثر که بر اساس برنامه‌ها و محدوده‌های عملکردی خود بر خط مشی اثرگذاری می‌کنند	جریان مطالعاتی تغییر خط مشی و دستورگذاری	تعبیر خط مشی و شبکه‌های علوم سیاسی
Schneider, Teske, Mintrom (1995)	در نظر گرفتن شبکه به عنوان راهی برای فراهم کردن زمینه حضور بیشتر کارآفرینان به وسیله کاهش هزینه‌های کارآفرینی و سنجش تفاوت‌های ساختار سازمانی و شبکه‌ها و تأثیر آن بر میزان حضور کارآفرینان	جریان مطالعاتی نظریه اقتصادی نهادگرایی نوین	

افراد مؤثر	نکات محوری	ریشه‌ها و جریان‌های پشتیبان	سه سنت مطالعات شبکه
Mandell (1988) Scharpf (1978) Gage, Mandell (1990) Agronoff, McGuire (2001) Provan, Milward (1995) Agronoff, McGuire (2003) Provan, Milward (1991)	به وجود آمدن شبکه‌ها و چگونگی کارایی آن‌ها مهارت‌های مدیریت شبکه و مدیران شبکه در مقایسه با سازمان‌های سلسله‌مراتبی اثرات شبکه بر خط مشی‌گذاری، خروجی‌ها و پیامدهای آن و ارزش‌های دموکراتیک حکمروایی استفاده از ظرفیت شبکه ارائه خدمات به عنوان ساختار اجرای خط مشی	مدیریت شبکه و ساختارهای شبکه عملکرد و خروجی‌های شبکه	شبکه‌های مدیریت بخش عمومی

مأخذ: برگرفته از Berry et al: 2004: 540-543

1. Sociogram

2. Role

3. Ego-centered Network

4. Reciprocity

5. Intensity

6. Durability

درخصوص ویژگی‌های شبکه، کلینچ و کوپنجان ویژگی‌های شبکه را چنین شرح داده‌اند:

۱. شبکه‌ها توسط مسائل پیچیده خط مشی‌ای که هیچ نهادی به تنهایی قادر به حل آن‌ها نیست، شکل می‌گیرند. حل این مسائل نیاز به اقدامات جمعی بازیگران متعددی دارد.

۲. در شبکه‌ها وابستگی متقابل نسبتاً شدیدی میان بازیگران به دلیل آن‌که منابع مورد نیاز برای حل مسائل در مالکیت بازیگران متعدد است، وجود دارد.

۳. وابستگی‌های متقابل، سبب درجه بالایی از پیچیدگی راهبردی و غیر قابل پیش‌بینی بودن راه‌های تعامل میان بازیگران شده است، به‌گونه‌ای که اقدامات یک بازیگر بر منافع و راهبردهای بازیگران دیگر اثرگذار است.

تمرکز کرده و دانش شبکه‌ها را ارتقا داده‌اند.

در حوزه جامعه‌شناسی و تحلیل شبکه اجتماعی، تمرکز اصلی بر ساختار شبکه و توسعه شاخص‌های کمی و کیفی ساختاری درک آن است. در حوزه علوم سیاسی، ابعاد مطالعات قدرت در اجتماعات محلی و نظریات اقتصادی در قالب شبکه‌های نوآوری و تغییر خط مشی دنبال شده است. در حوزه مطالعات مدیریتی بخش عمومی، تمرکز اصلی بر نقش ابزاری شبکه‌ها برای مثال، در حوزه ارائه خدمات عمومی بوده و از این منظر این مطالعات به توسعه نظری و عملی ابعاد مدیریتی، اثربخشی و خروجی‌های شبکه کمک کرده است.

۱-۲. ویژگی‌های شبکه‌ها

بر اساس برآیند پژوهش‌های مختلف صورت گرفته

جدول ۲. طبقه‌بندی ویژگی‌های شبکه در مطالعات مدیریت بخش عمومی

ویژگی‌های کلیدی	طبقه‌بندی موضوعی
تشریک مساعی، همکاری، هماهنگی میان اعضای شبکه	عملکرد
محاسبه‌پذیری، ارتباطات غیرمتمرکز و پویا، مبادله، تعامل و شراکت میان اعضای شبکه	سازوکارهای تسهیل‌گر
وابستگی متقابل و توزیع قدرت میان اعضای شبکه	معیارهای انگیزی
خوشه‌ها، پیچیدگی، انعطاف، نداشتن سلسله‌مراتبی، ماهیت بین‌سازمانی روابط	ساختار
دموکراتیک، هنجاری، سرمایه اجتماعی و اعتماد	ارزش‌ها
حکروایی و خط‌مشی	زمینه‌ها

مأخذ: برگرفته از Wachhaus, Harrisburg, ۲۰۰۹: ۷۰

۴. شبکه‌ها پذیرای اعضای جدید هستند.
۵. اعضای شبکه منابع و دارایی‌های متفاوت را با خود به شبکه می‌آورند.
۶. ساختار شبکه‌ها بسیار منعطف است.
۷. شبکه‌ها در طول زمان تکامل می‌یابند (Streck, 2005: 8).

در مطالعه نظام‌مندی که به مرور و مقایسه مقالات از سال ۱۹۸۷ تا سال ۲۰۰۶ در مجلات معتبر آمریکایی در حوزه مدیریت بخش عمومی با موضوع شبکه انجام شده است، تلاش شده تا با طبقه‌بندی ویژگی‌های شبکه‌ها تصویری از مطالعات انجام‌شده در این حوزه به نمایش گذاشته شود. در جدول شماره ۲ این طبقه‌بندی آورده شده است.

بر اساس برآیند نظرات اندیشمندان در خصوص ویژگی‌های شبکه می‌توان ویژگی‌های بارز و مشخصه‌های اصلی آن‌ها را در موارد ذیل خلاصه کرد که عبارت‌اند از:

۴. شبکه‌ها دربرگیرنده تعاملات پیچیده هستند، زیرا هریک از بازیگران مستقل بوده و درک خود را نسبت به مسائل، راه‌حل‌ها و راهبردها دارد. این شرایط سبب تفاوت‌های ذاتی در ادراکات، تعارض‌های ارزشی و عدم توافقی بر سر خط‌مشی‌هایی که باید اجرایی شوند و خدماتی که باید ارائه شود، می‌شود.

۵. تعاملات شبکه تا حدی ماندگاری را در طول زمان نشان می‌دهد (Klijn, Koppenjan, 2016: 10-11).

در مطالعه دیگری در ویژگی‌های مشترک شبکه‌ها با توجه به اینکه شبکه‌ها در اندازه‌ها و اهداف متفاوتی شکل می‌یابند، در موارد ذیل آورده شده است که عبارت‌اند از:

۱. شبکه‌ها عموماً بر اساس سازوکارهای غیررسمی به جای توافقات قانونی الزام‌آور شکل می‌گیرند.

۲. همکاری در شبکه‌ها بر مبنای اعتماد به جای مقررات الزام‌آور است.

۳. ماهیت همکاری در شبکه‌ها داوطلبانه است.

در نتیجه، بیشتر تحقیقات در بحث شبکه‌ها در مدیریت بخش عمومی بر شبکه‌های هدف‌محور کلی^۷ (رویکرد کلان) متمرکز شده است. این سطح دوم تحلیل شبکه، تمرکز را از روابطی که یک بازیگر دارد به تمام روابطی که بین بازیگران وجود دارد، انتقال داده است که رویکردی کلان است.

در این رویکرد بررسی می‌شود که کجاها روابط در مجموعه تعریف شده از سازمان‌ها وجود دارد یا ندارد و مشخص می‌کند که تا چه میزان سازمان‌ها با یکدیگر برای دستیابی به هدف جمعی کار می‌کنند؛ بنابراین گروهی از سه یا بیشتر از سازمان‌ها به صورت رسمی شبکه‌ای را به وجود آورده، مدیریت کرده و با یکدیگر برای تسهیل دستیابی به هدف مشترک تلاش می‌کنند، روابط بین اعضا عمدتاً سلسله‌مراتبی نیست و مشارکت‌کنندگان اغلب استقلال اجرایی اساسی دارند (Provan, Lemaire, 2012: 2).

در سطح دوم تحلیل شبکه، مشاهده‌کننده خارج از شبکه به روابط میان اعضای شبکه نگریسته و آن را تحلیل می‌کند. بر این اساس، توانایی تشخیص الگوی روابط، شکاف‌ها و چالش‌های موجود در شبکه، تغییرات در ساختار شبکه در طول زمان و پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم بین اعضای شبکه را دارد؛ بنابراین قوت این سطح از تحلیل، دیدن کل شبکه به طور هم‌زمان است. محدودیتش نیز آن است که مطالعات شبکه کل در اجتماعات وسیع کاربرد ندارد و پژوهشگرانی که از این سطح از تحلیل استفاده می‌کنند باید مرزهای شبکه را مشخص کنند.

از این رو، مطالعات شبکه کل برای مطالعه واحدهای کوچک‌تر نظیر سازمان‌ها و همسایگی‌های

۱. توانایی حل مسائلی که یک بازیگر به تنهایی با منابع محدود خود در ساختار سلسله‌مراتبی قادر به حل آن نیست

۲. امکان کنار هم آمدن و تعریف روابط همکاریانه و پیچیده میان بازیگران بخش‌های مختلف بخش عمومی، خصوصی، عمومی و مردمی

۳. وابستگی متقابل میان اعضای شبکه و تعریف روابط سودبری و سودرسانی (مبادله) بر اساس منابع در اختیار بازیگران شبکه و امکان دستیابی به اقدام جمعی مورد توافق

۱-۳. سطوح تحلیل شبکه‌ها در مدیریت بخش عمومی

با بررسی ادبیات نظری موجود می‌توان دو سطح را در موضوع تحلیل شبکه‌ها در مدیریت بخش عمومی یافت. اولین سطح تحلیل شبکه‌ای، تحلیل شبکه خودمحور^۸ (رویکرد خرد) است، این سطح بر یک بازیگر (فرد یا سازمان) تمرکز می‌کند و در تلاش است تا مشخص کند که چرا این بازیگر روابط شبکه‌ای دوگانه با دیگران توسعه داده و چه مزایا یا پیامدهای منفی از این ارتباط به دست آورده است.

این رویکرد در حد گسترده‌ای رویکرد مسلط در نظریه سازمان در موضوع روابط شبکه‌ای بوده و تعجب‌برانگیز نیست که برای سازمان‌های انتفاعی به کار می‌رود. این سازمان‌ها عموماً تصمیمات رابطه‌ای خود را بر اساس نفع شخصی می‌گیرند و رویکرد شبکه خودمحور در این راستا بسیار مناسب است، در حالی که بخش عمومی و نهادهای غیرانتفاعی از منافع شخصی مصون نیستند، اقدام جمعی، ملاحظه مهمی است.

7. Whole Goal-directed Networks

6. Egocentric Network Analysis

جدول ۳. شاخص‌های تحلیل شبکه

توضیحات	تعریف	انواع شاخص‌های تحلیل شبکه
-	تعداد کل پیوندهای موجود در شبکه	اندازه (Size) شبکه
این شاخص معرف میزان همبستگی (Cohesion) شبکه است	نسبت تعداد همه پیوندهای موجود به همه پیوندهای ممکن	تراکم (Density) شبکه
مرکزیت با مفهوم قدرت ارتباط بسیاری دارد و در رویکرد شبکه‌ای قدرت اساساً رابطه‌ای و وابسته به دیگران است و به هر میزان که مرکزیت بیشتر باشد، قدرت بیشتر است	میزانی که یک گره دسترسی مستقیم یا غیرمستقیم به منابع دیگران در شبکه داشته باشد. مرکزیت نشان‌دهنده این است که چه کسی در شبکه هسته اصلی است یا به عبارتی قدرت بیشتر دارد	مرکزیت (Centrality)
درجه تا حدی می‌تواند نشان‌دهنده میزان سرمایه اجتماعی یک گره باشد	تعداد پیوندهای یک گره در شبکه	درجه (Degree)
این شاخص معیاری برای کنترل بر روی روابط توسط برخی از گره‌ها به حساب می‌آید.	ممکن است ارتباط میان دو گره در شبکه به گره‌ای دیگری وابسته باشد که بین این دو گره قرار گیرند، برای یک گره این شاخص به صورت تعداد کوتاه‌ترین مسیرهای بین همه اعضا، که شامل کنشگر شود، می‌شود	وسطبودگی (Betweenness)
واسطه‌گری سبب می‌شود تا یک گره در موقعیت سودآوری قرار گرفته و به آن قدرت و توانایی کنترل روی روابط را می‌دهد	نظیر شاخص وسطبودگی، حفره ساختاری یا واسطه‌گری زمانی رخ می‌دهد که یک گره میان دو گره‌ای قرار گیرد که هیچ ارتباطی با هم نداشته باشند	حفره‌های ساختاری / واسطه‌گری (Structural Holes/ Brokerage)
-	زیرگره‌های همبسته در یک گراف بزرگ‌ترین زیرگراف به هم متصل	مؤلفه‌ها (Components)
نقاط قطع به منزله واسطه‌ها در شبکه عمل می‌کنند	نقاط قطع در شبکه، گره‌هایی هستند که اگر از شبکه حذف شوند، شبکه به قسمت‌های مجزا تقسیم خواهد شد. به قسمت‌های مجزایی که از حذف نقاط قطع ایجاد می‌شوند، بلوک گویند	بلوک‌ها و نقاط قطع (Blocks and Cut Points)
میزان گره‌های ایزوله در شبکه نشان‌دهنده میزان کنشگران غیرفعال است که در هیچ ارتباطی مشارکت نکنند	گره‌هایی که در هیچ مؤلفه‌ای قرار نگیرند، ایزوله‌ها در واقع، هیچ ارتباطی با دیگران در شبکه ندارند	ایزوله‌ها (Isolate)
توسط این شاخص همه گره‌ها ره دو دسته مرکز و پیرامون تقسیم می‌شوند	این شاخص نشان می‌دهد که کدام گره‌ها به مرکز و کدام به پیرامون تعلق دارند	مرکز پیرامون (Core-Periphery)
-	دسته‌های متراکم و به هم پیوسته‌تر گره‌ها، مناطقی را تشکیل می‌دهند که به آن خوشه‌ها گفته می‌شود، تعداد گره‌ها درون هر خوشه سنج‌های پرمعناست و در برخی موارد کل یک شبکه، یک خوشه را تشکیل می‌دهد	خوشه‌ها (Cluster)

انواع شاخص‌های تحلیل شبکه	تعریف	توضیحات
ضریب خوشه‌بندی (Clustering Coefficient)	این ضریب نشان‌دهنده آن است که کنشگران اطراف یک گره تا چه حد به هم متصل هستند، این ضریب در کل شبکه از میانگین ضرایب به دست می‌آید.	هنگامی که ضریب خوشه‌بندی بالا باشد، شبکه در اطراف چند گره خوشه‌بندی شده است و پایین بودن آن نشان از آن دارد که پیوندها در شبکه توزیع شده‌اند.

مأخذ: برگرفته از باستانی، رئیسی، ۱۳۹۰: ۱۴-۶۴، افتاده، ۱۳۹۰: ۸۳-۸۵، Koskinen, Agneessens, 2016: 43-57: 1395

می‌کند. با وجود این، رویه فراتحلیلی در آن بیشتر تفسیری است تا انباشتی؛ بنابراین تأکید بیشتر بر ترکیب است و تحلیل جایگاهی ندارد. مراحل روش فراتحلیل کیفی شامل تعیین هدف و تعیین سؤال کلیدی، تعیین معیارهای انتخاب مطالعات موجود، گردآوری و تحلیل داده‌ها و ارائه نتایج است (Timu-lak, 2009: 591-592). در جدول شماره ۴ نسبت این مراحل با مقاله حاضر آورده شده است.

۳. یافته‌های پژوهش

با اتکا به روش فراتحلیل کیفی و معیارهای چندگانه انتخاب پژوهش‌های مرتبط که در جدول شماره ۴ تشریح شد، بر اساس مطالعات اسنادی صورت گرفته در این مقاله می‌توان گفت محققان حوزه مطالعات شبکه در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی، طبقه‌بندی‌های جداگانه‌ای برای مطالعات در این حوزه قائل شده‌اند که در ادامه جمع‌بندی بررسی‌های صورت گرفته در جدول شماره ۵ آورده شده است.

با بررسی طبقه‌بندی مطالعات شبکه در تحقیقات محققان این حوزه می‌توان گفت موضوع شبکه با طرح استعاره‌ای از فعالیت‌های گروهی و بین‌سازمانی میان سازمان‌های مختلف مطرح شد، اما به سرعت با عناوینی نظیر منطق شبکه‌ای، رویکرد شبکه‌ای، ساختارهای شبکه‌ای و راه‌حل‌های شبکه‌ای، از یک

آن‌ها مناسب است (باستانی، رئیسی، ۱۳۹۰: ۳۶) شاخص‌های مربوط به تحلیل شبکه در جدول شماره ۳ آورده شده است.

۲. روش‌شناسی پژوهش

مقاله حاضر از منظر روش‌شناسی نیز از جمله پژوهش‌های کیفی با اتکا به روش فراتحلیل کیفی است که با استفاده از اسناد، منابع و مطالعات کتابخانه‌ای به پیش‌رفته است. روش فراتحلیل کیفی در ذیل روش‌های مرور نظام‌مند تعریف می‌شود. مرور نظام‌مند نوعی مرور ادبیات است که با تمرکز بر یک سؤال واحد تلاش می‌کند تا تمام شواهد مرتبط با آن سؤال را شناسایی، ارزیابی، انتخاب و ترکیب کند (قربانی‌زاده، حسن‌نانگیر، ۱۳۹۳: ۱۶).

تعاریف مختلفی در زمینه روش فراتحلیل کیفی^۸ وجود دارد. ایده پایه‌ای این روش در فراهم کردن تصویر دقیق و جامع از یافته‌های تحقیقات کیفی مختلف است که موضوع پژوهشی مشابه‌ای را دنبال کرده‌اند. این روش را می‌توان تفسیر جدید و یکپارچه‌ای از یافته‌های تحقیقات موجود دانست که از نتایج هر کدام از تحقیقات جداگانه محکم‌تر است.

روش فراتحلیل کیفی همان منطق و هدف روش فراتحلیل را که مختص روش‌های کمی است، دنبال

8. Qualitative Meta-Analysis

جدول ۴. مراحل روش علمی تحقیق در مقاله حاضر

موضوع	مراحل روش فراتحلیل کیفی	مراحل روش علمی مقاله حاضر
تعیین هدف	تعیین سؤال کلیدی پژوهش	فراتحلیل کیفی مطالعات شبکه در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی
مراحل روش فراتحلیل کیفی و تطبیق آن با مقاله حاضر	تعیین معیارهای انتخاب مطالعات موجود و انتخاب آن‌ها	انتخاب پژوهش‌های معتبر متمرکز بر شناسایی جریان‌ها، تحولات و روندهای تاریخی استفاده از مفهوم شبکه در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی انتخاب پژوهش‌های معتبر که با اتکا بر روش مرور نظام‌مند سایر پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله را بررسی کرده باشند انتخاب پژوهش‌هایی که به ظرفیت‌ها و توان‌های تحلیلی شبکه‌ها در مدیریت بخش عمومی چه در ابعاد نظری و اجرایی پرداخته باشند
گردآوری داده‌ها	تحلیل داده‌ها	مطالعات اسنادی
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری		طبقه‌بندی‌های نظری انواع مطالعات شبکه در مدیریت بخش عمومی تدوین انواع چارچوب‌های تحلیلی مطالعات شبکه در مدیریت بخش عمومی فراتحلیل مطالعات شبکه در مدیریت بخش عمومی با اتکا به یافته‌های پژوهش‌های بررسی‌شده

پيامدهای شبکه و میزان اثربخشی آن و مطالعات تطبیقی شبکه‌ها در زمینه‌های مختلف. بر مبنای تصویر شماره ۳ شبکه‌ها در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی در سه حوزه شبکه‌های خط مشی، شبکه‌های حکمروایی و شبکه‌های مبتنی بر تشریک مساعی استفاده می‌شوند.

بر اساس تصویر شماره ۴، کاربرد شبکه‌ها در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی می‌تواند در چهار بُعد تدوین خط مشی، نظام حکمروایی، نظام مدیریت و مرحله اجرا تعریف شود. به این معنا که به طور مثال، در مرحله تدوین خط مشی حل یک مسئله عمومی، چگونه شبکه‌های حل مسئله شکل گرفته، به چه میزان در فرایند دستورگذاری سهم‌یاری کرده و چگونه در فرایند انتخاب خط مشی برتر مشارکت و اثرگذاری کرده‌اند.

استعاره به یک تفکر و بینش در مدیریت بخش عمومی تبدیل شد تا جایی که این عصر را عصر شبکه در نظر گرفته‌اند و با تکیه بر سازوکارهای شبکه‌ای محققان تلاش می‌کنند تا بر مسائل عمومی پیچیده و چندلایه غلبه کنند. همچنین در کنار طبقه‌بندی مطالعات صورت گرفته، در ادامه انواع ابعاد مختلف بررسی موضوع شبکه‌ها در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی با اتکا به بررسی منابع متعدد طراحی شده است.

بر اساس تصاویر ۱ و ۲ مطالعات شبکه در مدیریت بخش عمومی می‌تواند در شش بُعد توسعه یابد که عبارت‌اند از: چرایی و چگونگی شکل‌گیری شبکه‌ها، ویژگی‌های گره‌ها و ساختار شبکه شکل گرفته‌شده، حکمروایی شبکه به معنای سازوکارهای اقدام جمعی بر اساس شبکه، مدیریت اجرایی شبکه،

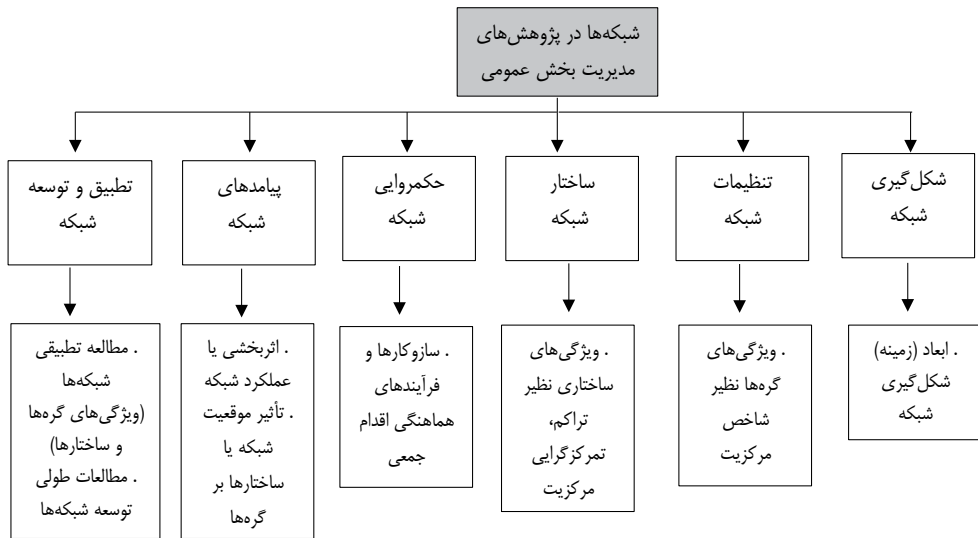
جدول ۵. طبقه‌بندی مطالعات شبکه در مدیریت بخش عمومی

ردیف	طبقه‌بندی مطالعات شبکه	پشتیبان نظری
۱	مطالعات شبکه خط مشی مطالعات شبکه مبتنی بر تشریک مساعی	Rethemeyer, Hatmaker, 2008
۲	مطالعات شبکه خط مشی مطالعات شبکه مبتنی بر تشریک مساعی مطالعات شبکه حکمروایی	Isett et al., 2011
۳	مطالعات شبکه‌های شکل‌گیری خط مشی مطالعات شبکه‌های حکمروایی مطالعات شبکه‌های اجرای خط مشی (ارائه خدمات)	Lecy et al., 2014
۴	مطالعات شبکه بین افراد مطالعات شبکه درون‌سازمانی مطالعات شبکه بین‌سازمانی	Brass et al., 2004
۵	مطالعات شبکه مبتنی بر سرمایه اجتماعی میان افراد مطالعات شبکه مبتنی بر سرمایه اجتماعی بین سازمان‌ها مطالعات توسعه شبکه میان افراد مطالعات توسعه شبکه بین سازمان‌ها	Carpenter et al., 2012
۶	مطالعات ویژگی‌ها و فرایندهای شبکه (ساختار، توسعه، تکامل و حکمروایی) مطالعات پیامدهای شبکه	Provan et al., 2007
۷	مطالعات شکل‌گیری شبکه مطالعات تنظیمات شبکه مطالعات ساختار شبکه مطالعات حکمروایی شبکه مطالعات پیامدهای شبکه مطالعات توسعه‌ای و تطبیقی شبکه	Hu, 2016

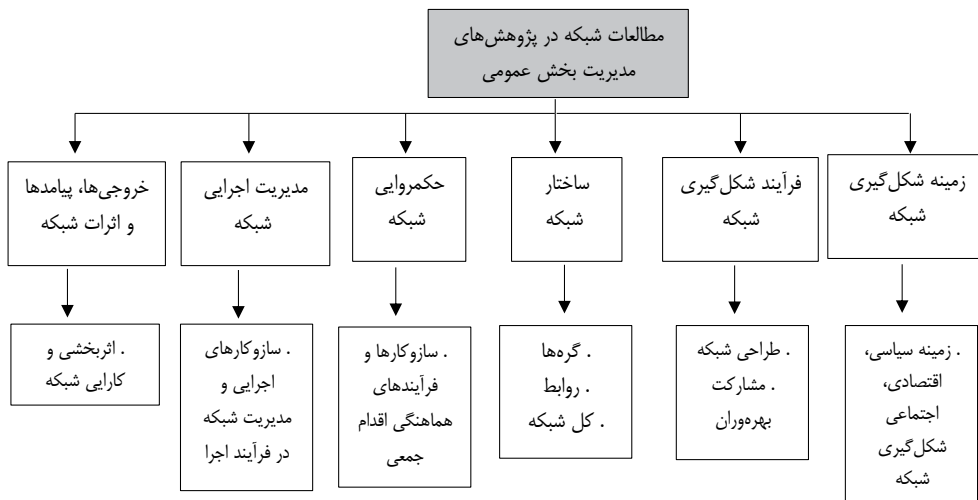
شبکه در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی در مقالات و پژوهش‌های مختلف و همچنین طبقه‌بندی‌های متنوع مطالعات شبکه در مدیریت بخش عمومی فراتحلیل کیفی پژوهش‌ها در ادامه در تصویر شماره ۶ آورده شده است.

با توجه به تصویر شماره ۶ نتایج فراترکیب مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته با محوریت

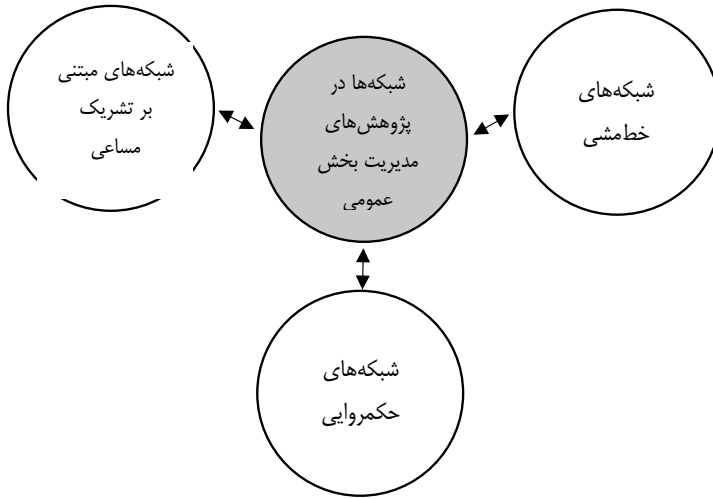
در تصویر شماره ۵، ابعاد مختلف شکل‌گیری یک شبکه تا مشروعیت و پایداری آن نمایش داده شده است؛ بنابراین شبکه‌های مؤثر در مدیریت بخش عمومی را می‌توان از منظر نظام مشارکت در آن، طراحی و ساختار شبکه، نظام حکمروایی شایسته و نیز مشروعیت‌بخشی و دوام و پایداری آن بررسی کرد. با بررسی ابعاد مختلف و ظرفیت‌های مطالعات



تصویر ۱. ابعاد مختلف مطالعاتی شبکه‌ها در مدیریت بخش عمومی



تصویر ۲. مطالعات شبکه در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی



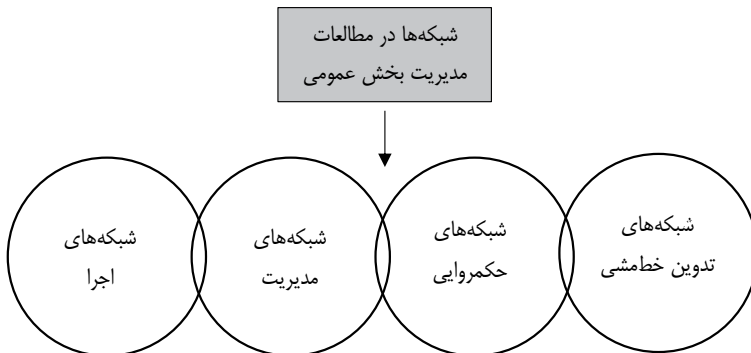
تصویر ۳. حوزه‌های پژوهشی شبکه‌های مدیریت بخش عمومی

از سطوح مختلف آن بهره برد. در ادامه، حکمروایی شبکه، به عنوان یکی از ابعاد مطالعات شبکه بیشتر توضیح داده شده است.

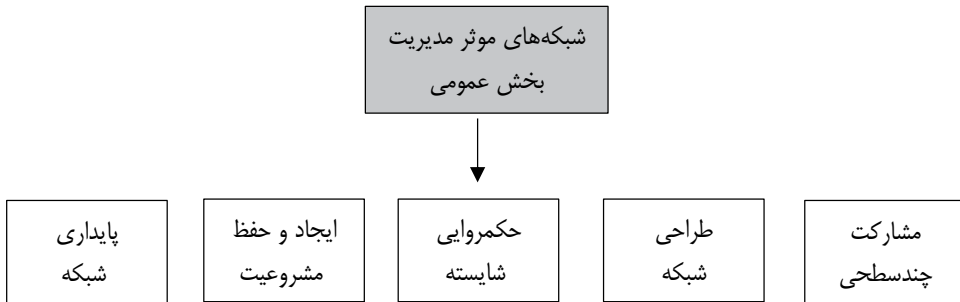
۳-۱. حکمروایی شبکه

تاکنون تعاریف متعددی از مفهوم حکمروایی شبکه توسط اندیشمندان پژوهش‌های مدیریت

شبکه‌ها و ابعاد مختلف آن در مطالعات بخش عمومی آورده شده است. در ترسیم این شکل منطق توالی و فرایندی نیز لحاظ شده است، به این معنا که مطالعات شبکه در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی شامل طیفی از بررسی زمینه‌ها و ابعاد شبکه تا مشروعیت و پایداری شبکه می‌شود و به تناسب موضوعات، مسائل و دغدغه‌های پژوهشی می‌توان



تصویر ۴. کاربرد شبکه‌ها در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی



تصویر ۵. شبکه‌های مؤثر مدیریت بخش عمومی

انعطاف‌پذیری است که می‌تواند خصیصه‌های رشد اندامواره را در خود داشته باشد که به اقتضای طبیعت دارای قبض و بسط‌هایی شود (Turnbull, 2003)، بنابراین در حکمروایی شبکه الگوی ثابت و خطی مشاهده نمی‌شود که بر اساس وظایف مشخص و قطعی جایگاه و نقش بازیگران شبکه روشن باشد، بلکه الگویی پویا، منعطف و اقتضایی بنا به شرایط زمینه‌ای در این الگو تعریف می‌شود.

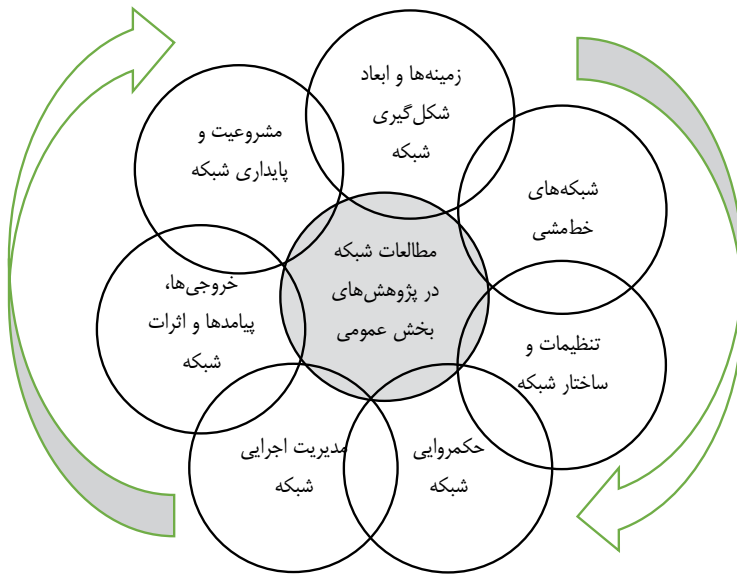
درنهایت، می‌توان به طور کلی حکمروایی شبکه را مجموعه‌ای از افراد و نهادهای درگیر در موضوع، دغدغه یا مسئله مشترک دانست که در میان اعضای آن دولت به مثابه بازیگر شکل‌دهنده به شبکه یا هدایت‌کننده آن می‌تواند نقش بازی کند، بازیگران در فضای حکمروایی شبکه، در محیطی باز و اعتمادآفرین به تعامل پرداخته و از این رو جریان آزاد دیدگاه‌ها و اطلاعات میان آن‌ها در شبکه و با سایر شبکه‌ها که دغدغه یا مسئله مشترک دارند، وجود دارد (Wilikilagi, 2009).

پرداختن به مسائل پیچیده به هماهنگی‌هایی چندسطحی و چندجانبه نیاز دارد. برای مثال، موضوعاتی نظیر بحران‌های اجتماعی و اقتصادی، بحران‌های زیست‌محیطی و بهداشتی نیازمند

بخش عمومی ارائه شده و تنوعی از تعاریف در این زمینه قابل مشاهده است. از منظر جونز و دیگران، حکمروایی شبکه به معنای هماهنگ‌کنندگی که در قالب سیستم‌های اجتماعی غیررسمی در مقابل ساختارهای بوروکراتیک رسمی تعریف می‌شود که به طور فزاینده‌ای برای هماهنگی و هدایت خدمات و محصولات پیچیده در محیط‌های رقابتی و همراه با عدم قطعیت استفاده می‌شود. هماهنگ‌کنندگی در قالب دو مؤلفه اساسی، تعیین الگوی تعاملات میان اعضای شبکه و جریان منابع میان آن‌ها موضوعیت می‌یابد (Jones et al., 1997).

تعریف قابل توجه دیگر در این زمینه توسط تورنبول ارائه شده است. وی معتقد است حکمروایی شبکه معماری شبیه به طبیعت دارد و همانند طبیعت از سیستم‌های پیچیده‌ای که در آن به وجود آمده‌اند و رشد طبیعت‌گرایانه و متکی به نظم خود دارند، الهام می‌گیرد که این سیستم‌ها خصیصه‌هایی همچون عدم تمرکز و تکثرگرایی دارند.

همچنین این تعریف دلالت بر این موضوع دارد که شبیه به رشد اندامواره موجودات در طبیعت و رشد شاخ و برگ‌های آن که کارکردهای ویژه‌ای به دنبال دارد، حکمروایی شبکه نیز دارای ویژگی



تصویر ۶. فراتحلیل کیفی مطالعات شبکه در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی

حکمرایی شبکه اشکال و حالت‌های مختلفی دارد و به‌کارگیری حالت‌های مختلف آن بسته به شرایط زمینه‌ای و عوامل متعدد دیگر دارد و از این رو، یک مدل جهانی شایسته و برتر از حکمرایی شبکه وجود ندارد. به طور کلی، می‌توان گفت مدل‌های حکمرایی شبکه در دو سر یک طیف قابل تقسیم‌بندی هستند. در یک سوی طیف، حکمرایی شبکه‌ها می‌تواند به طور کامل از طریق سازمان‌هایی صورت پذیرد که شبکه‌ها را به وجود آورده‌اند.

در این حالت، هر سازمانی برای حکمرایی شبکه با سازمان‌های دیگر ارتباط برقرار می‌کند که نتیجه آن ساختاری به شدت غیرمتمرکز خواهد بود که به آن حکمرایی اشتراکی گفته می‌شود. در سوی دیگر طیف، یک شبکه می‌تواند به شدت تکه‌تکه باشد که تمام اعضای شبکه با یکدیگر در ارتباط

سازوکار و ساختاری ورای سازمان‌های مشخص متولی این موضوعات است و از این رو نیازمند اقدام جمعی و حکمرایی اقدامات جمعی است.

گرچه حکمرایی شبکه نظیر حکمرانی بر اساس منطق سلسله‌مراتبی اداره با تکیه بر سازمان‌ها از پشتوانه‌های قانونی محکمی بهره نمی‌برد، با این حال برای دستیابی به اثربخشی بهره‌گیری از منطق و سازوکارهای حکمرایی شبکه در حل بحران‌های پیچیده حیاتی است و خلاف سازمان‌ها، حکمرایی شبکه‌ها باید بدون در نظر گرفتن منطق سلسله‌مراتبی و دستوردهی از بالا به پایین اجرایی شود؛ بنابراین مشارکت بازیگران در شبکه با در نظر گرفتن محدودیت‌های پاسخ‌گویی آن‌ها به اهداف شبکه و ماهیت داوطلبانه مشارکت آن‌ها باید مدنظر قرار گیرد (Provan, Kenis: 2008)

در گام بعد، ساختار شبکه از جهت شاخص‌های مختلف که در بخش تحلیل شبکه آورده شد، مورد سنجش قرار می‌گیرند و مجموعه روابط میان اعضای شبکه، منافع، اولویت‌ها و انگیزه‌ها بررسی می‌شود.

بعد چهارم، حکمروایی شبکه است و از آنجا که شبکه برای دستیابی به هدف / اهداف مشخصی شکل می‌گیرد، سازوکارها و فرایندهای هماهنگی اقدام جمعی موضوع مهم تحلیلی در این مقطع است.

مدیریت اجرایی شبکه به عنوان بُعد پنجم، به موضوع سازوکارهای اجرایی و مدیریت شبکه در فرایند اجرا می‌پردازد، چگونه اعضای شبکه تعارض‌ها و اختلافات را میان خود حل می‌کنند؟ تقسیم وظایف و حدود اختیارات میان اعضای چگونه شکل گرفته است و چگونه می‌توان از ظرفیت تمام اعضا برای دستیابی به اهداف مشترک استفاده کرد؟ از جمله سؤالات مهم در این مرحله تحلیلی است.

بعد ششم، خروجی‌ها (کوتاه‌مدت)، پیامدها (میان‌مدت) و اثرات (بلندمدت) شبکه‌ها در حل مسائل یا استفاده از ظرفیت‌ها و فرصت‌ها است، آیا شکل‌گیری و پایداری یک شبکه توانست خروجی‌ها، پیامدها و انتظارات مورد نظر را برآورده کند؟ در آخر مشروعیت و پایداری شبکه است که بر اساس آن مؤلفه‌های اصلی شبکه نظیر اعتماد و تضمین فرایندهای سودبری و سودرسانی در بلندمدت می‌تواند به مشروعیت‌بخشی و پایداری شبکه‌ها بیانجامد. طبیعی است در این مرحله بازخوردهای ناشی از اجرا، در فرایند چرخه‌ای بر تمام ابعاد پیشین آن از زمینه‌های شکل‌گیری شبکه تا سازوکارهای مدیریت اجرایی آن اثرگذاری کرده و تغییرات و اصلاحاتی را برای بهبود به کارگیری شبکه‌ها پیشنهاد می‌دهد.

نباشند. در این حالت یک سازمان مرکزی به عنوان واسط اصلی میان اعضای شبکه قرار می‌گیرد و نقش هماهنگ‌کننده اصلی را بازی می‌کند.

در میانه این طیف، یک سازمان می‌تواند برخی از فعالیت‌های اصلی حکمروایی شبکه را بر عهده گرفته و برخی دیگر را به سایر بازیگران اعطا کند؛ بنابراین در دو حالت کلی یا وظایف حکمروایی شبکه در یک بازیگر متمرکز می‌شود یا این وظایف میان بازیگران شبکه توزیع می‌شود (Provan, Kenis: 2008)

۴. بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات شبکه در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی، چه در امر حل مسائل بخش عمومی و چه در زمینه بهره‌گیری از فرصت‌ها و امکان‌های پیشروی آن می‌تواند در شش بُعد توسعه یابد؛ بنابراین پژوهشگران مدیریت بخش عمومی در حوزه‌های مختلف می‌توانند مسئله یا فرصتی را در محور قرار داده و ابعاد رویکرد شبکه‌ای را حول آن شکل دهند.

بدین ترتیب، در بُعد اول، مطالعات مدیریت بخش عمومی می‌تواند بر زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شکل‌گیری شبکه‌ها متمرکز شود و این موضوع که در چه زمینه‌هایی و تحت چه شرایطی امکان پیدایش و شکل‌گیری اولیه شبکه‌ها به وجود می‌آید، مورد بررسی قرار گیرد. در بُعد دوم، فرایند شکل‌گیری شبکه موضوع بحث است، چگونه اعضای یک شبکه یکدیگر را پیدا می‌کنند، میزان مشارکت در این شبکه‌ها چه میزان است، آیا شبکه‌های شکل گرفته، بزرگ‌مقیاس و منسجم یا شبکه‌های پراکنده و متفرق با اعضای محدود هستند.

آن در این پژوهش‌ها دارد، در حالی که قابلیت‌های گسترده رویکرد شبکه‌ای از مرحله تشخیص مسئله تا اجرای و نظارت بر اجرای خط‌مشی‌ها و همچنین مطالعات سازمانی و بین‌سازمانی می‌تواند در حل مسائل کنونی مدیریت بخش عمومی کشور در سطوح مختلف بین‌المللی تا محلی به کار آید.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاقی در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری سید مصطفی جلیلی با عنوان «طراحی شبکه خط‌مشی مقابله با فساد شبکه‌ای در مدیریت کلانشهری» است در دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی انجام پذیرفته است. ضمناً این رساله با حمایت‌های مادی و معنوی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران انجام شده است.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان به یک اندازه در نگارش مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

بنا به اظهار نظر نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

به طور کلی، پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی در دهه‌های پیشین از غلبه مدل‌های سنتی و بوروکراتیک به سمت الگو تجویزی مدیریت بخش عمومی نوین در چارچوب اهمیت بخشی به سازوکار نظام بازار و خصوصی‌سازی و پس از آن به سمت ساختارهای با مشارکت چندسطحی، پیچیده و همه‌جانبه حرکت کرده است.

مسائل کنونی مدیریت بخش عمومی، مسائل چندسطحی، چندمقیاسی و با‌ذی‌نفعان متعدد است که پیچیدگی برخورد با آن‌ها نیازمند به‌کارگیری الگوهای پیچیده است.

در این راستا شبکه‌ها می‌توانند ارزش‌افزوده شایانی در مطالعات مدیریت بخش عمومی داشته باشند. از این رو، در دو دهه اخیر اقبال گسترده‌ای به استفاده از رویکرد و منطق شبکه‌ها در پژوهش‌های مدیریت بخش عمومی شده است که در بخش‌های مختلف این مقاله تلاش شد تا ظرفیت‌های متعدد شبکه‌ها در این پژوهش‌ها معرفی و طبقه‌بندی شود.

شبکه‌ها، توانایی حل مسائلی را که یک بازیگر به تنهایی با منابع محدود خود در ساختار سلسله‌مراتبی قادر به حل آن نیست، فراهم کرده و امکان کنار هم آمدن و تعریف روابط همکارانه و پیچیده را میان بازیگران بخش‌های مختلف بخش عمومی، خصوصی، عمومی و مردمی ممکن می‌کند. وابستگی متقابل میان اعضای شبکه و تعریف روابط سودبری و سودرسانی (مبادله) بر اساس منابع در اختیار بازیگران شبکه و امکان دستیابی به اقدام جمعی مورد توافق برای دستیابی به اهداف مشترک ویژگی بارز شبکه‌ها است. مروری بر مطالعات صورت‌گرفته در موضوع شبکه‌ها در جامعه علمی مدیریت بخش عمومی کشور نشان از سهم اندک

منابع فارسی

- افتاده، ج. (۱۳۹۵). *تحلیل شبکه‌های اجتماعی*. تهران: ثانیه.
- اسکات، د.، و ریچارد، د. (۱۳۸۹). *سازمان‌ها و سازمان‌دهی (دیدگاه سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز) آس. ر. سیدجوادین، ب. پورولی، و ا. جمالی پویا، ترجمه فارسی*. تهران: مروارید.
- باستانی، س.، و رئیسی، م. (۱۳۹۰). روش تحلیل شبکه: استفاده از رویکرد شبکه‌های کل در مطالعه اجتماعات متن باز، *مطالعات اجتماعی ایران*، ۲(۵)، ۳۱-۵۷.
- قربانی‌زاده، و.، و حسن‌نانگیر، س. طه. (۱۳۹۳). *راهنمای کاربردی فراتحلیل با نرم‌افزار CMA2*. تهران: جامعه‌شناسان.

References

- Agneessens, F., & Koskinen, J. (2016). Modeling individual outcomes using a Multilevel Social Influence (MSI) Model. In E. Lazega, & T. Snijders (Eds.), *Multilevel Network Analysis for the Social Sciences, Theory, Methods and Applications* (pp. 81-105). Cham: Springer. <https://link.springer.com/book/10.1007/978-3-319-24520-1>
- Agranoff, R., & McGuire, M. (2001). Big questions in public network management research. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 11(3), 295-396. [DOI:10.1093/oxfordjournals.jpart.a003504]
- Baštani, S., & Reisi, M. (2011). [Network analysis method: Using the whole network approach in the study of open source communities (Persian)]. *Iranian Journal of Social Studies*, 5(2), 31-57. http://www.jss-isa.ir/article_21463.html
- Berry, F. S., Brower, R. S., Choi, S. O., Goa, W. X., Jang, H., & Kwon, M., et al. (2004). Three traditions of network research: What the public management research agenda can learn from other research communities. *Public Administration Review*, 64(5), 539-52. [DOI:10.1111/j.1540-6210.2004.00402.x]
- Borgatti, S. P., Brass, D. J., & Halgin, D. S. (2014). Social network research: Confusions, criticism and controversies. In D. J. Brass, L. Giuseppe, M. Ajay, H. Daniel, & S. Borgatti (Eds.), *Contemporary Perspectives on Organizational Social Networks*, Emerald Books (pp. 1-29). Bingley: Emerald Group Publishing Limited. [DOI:10.1108/S0733-558X(2014)0000040001]
- Brass, D. J., Galaskiewicz, J., Greve, H. R., & Tsai, W. (2004). Taking stock of networks and organizations: A multilevel perspective. *Academy of Management Journal*, 47(6), 795-817. [DOI:10.5465/20159624]
- Brughmans, T. (2012). Thinking through networks: A review of formal network methods in archaeology. *Journal of Archaeological Method and Theory*, 20(4), 623-62. [DOI:10.1007/s10816-012-9133-8]
- Carpenter, M. A., Li, M., & Jiang, H. (2012). Social network research in organizational context: A systematic review of methodological issues and choices. *Journal of Management*, 38(4), 1328-61. [DOI:10.1177/0149206312440119]
- Ghorbanizadeh, V., & Hasan Nangir, S. T. (2014). [Practical guide to meta-analysis with CMA software (Persian)]. Tehran: Sociologists Publications. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/2959371>
- Hu, Q., Khosa, S., & Kapucu, N. (2016). The intellectual structure of empirical network research in public administration. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 26(4), 593-612. [DOI:10.1093/jopart/muv032]
- olarship: Understanding where we are and where we need to go. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 21(suppl_1), 157-73 [DOI:10.1093/jopart/muq061]
- Jensen, L. S. (2016). The twentieth century administrative state and networked governance. *Journal of Public Administration Research and Theory Advance*, 27(3), 468-84. [DOI:10.1093/jopart/muw065]
- Jones, C., Hesterly, W., & Borgati, P. (1997). A general theory of network governance: Exchange conditions and social mechanisms. *Academy of Management Journal*, 22(4), 11-45. [DOI:10.5465/amr.1997.9711022109]
- Kapucu, N., Hu, Q., & Khosa, S. (2014). The state of network research in public administration. *Administration & Society*, 49(8), 1087-120. [DOI:10.1177/0095399714555752]
- Klein, L., & Pereira, B. (2016). The survival of interorganizational networks: A proposal based on resource dependence theory. *Revista de Administração Mackenzie*, 17(4), 153-75. [DOI:10.1590/1678-69712016/administracao.v17n4p153-175]
- Klijin, E. H., & Koppenjan, JFM. (2000). Public management and policy networks: Foundations of a network approach to governance. *Public Management*, 2(2), 137- 58. [DOI:10.1080/146166700411201]
- Klijin, E. H., & Koppenjan, J. (2016). *Governance Networks in the Public Sector*. London: Routledge. [DOI:10.4324/9781315887098]
- Lecy, J. D., Mergel, I. A., & Schmitz, H. P. (2014). Networks in public administration: Current scholarship in review. *Public Management Review*, 16(5), 643-65 [DOI:10.1080/14719037.2012.743577]
- McGuire, M. (2006). Collaborative public management: Assessing what we know and how we know it. *Public Administration Review*, 66(s1), 33-43. [DOI:10.1111/j.1540-6210.2006.00664.x]

- Milward, H. B., & Provan, K. G. (1998). Measuring network structure. *Public Administration*, 76(2), 387-407. [DOI:10.1111/1467-9299.00106]
- Pfladeh, J. (2016). [Analysis of social networks (Persian)]. Tehran: Sanieh. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/4286813>
- Provan, K. G., & Kenis, P. (2007). Modes of network governance: Structure, management, and effectiveness. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 18(2), 229-52. [DOI:10.1093/jopart/mum015]
- Provan, K. G., & Lemaire, R. H. (2012). Core concepts and key ideas for understanding public sector organizational networks: Using research to inform scholarship and practice. *Public Administration Review*, 72(5), 638-48. [DOI:10.1111/j.1540-6210.2012.02595.x]
- Provan, K. G., Fish, A., & Sydow, J. (2007). Interorganizational networks at the network level: A review of the empirical literature on whole networks. *Journal of Management*, 33(3), 479-516. [DOI:10.1177/0149206307302554]
- Rethemeyer, R. K., & Hatmaker, D. M. (2008) Network management reconsidered: An inquiry into management of network structures in public sector service provision. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 18(4), 617-46. [DOI:10.1093/jopart/mum027]
- Rethemeyer, R. K. (2005). Conceptualizing and measuring collaborative networks. *Public Administration Review*, 65(1), 117-21. [DOI:10.1111/j.1540-6210.2005.00436.x]
- Scott, W. R., & Gerald, D. F. (2007). [Organizations and organizing: rational, natural, and open system perspectives (R. Seyedjavadin, B. Pourvali, & E. Jamali Pouya, Persian Trans)]. Tehran: Morvarid. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/2004780>
- Streck, C. (2005). Governments and policy networks: Chances, risks and a missing strategy. In F. Wijen, & K. Zoeteman, & J. Pieters (Eds.), *A Handbook of Globalisation and Environmental Policy*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited (pp. 510-48). https://EconPapers.repec.org/RePEc:elg:eechap:3499_25
- Timulak, L. (2009) Meta-analysis of qualitative studies: A tool for reviewing qualitative research findings in psychotherapy. *Psychotherapy Research*, 19(4-5), 591-600 [DOI:10.1080/10503300802477989] [PMID]
- Turnbull, S. (2003). Network governance. *Corporate Governance International*, 8(3), 4-14. <https://ssrn.com/abstract=492522>
- Wachhaus, A., & Harrisburg, P. (2009). Networks in contemporary public administration: A discourse analysis. *Administrative Theory*, 31(1), 59-77 [DOI:10.2753/ATP1084-1806310104]
- Wilikilagi, V. (2009). What is network governance and its implications for public policy formulation? [DOI:10.2139/ssrn.1494757]